

دومین کتاب مهدیس احمدیان شالچی برگردان اثری از ادبیات نمایشی فرانسه و بازم کتابی از ژان کوکتو است. به گزارش شهرآر، نام این مترجم مشهدی پس از «ماشین جهنمی» به تازگی بر روی جلد نمایشنامه «عقاب دو سر» نقش بسته است و البته هر دو کار را با همکاری محمدحسین روستایی ترجمه کرده است. «عقاب دو سر» روایت ماجرای ملاقات یک شاعر با ملکه و اتفاقاتی است که این مواجهه رقم می‌زند. مخاطب در این تراژدی با موضوع هایی چون عشق و قتل و تردید رویه رو است. در بخشی از کتاب آمده است، «آن ها پادشاه را کشتند، چون می خواست تماشاخانه بسازد و حال می خواهند مرا بکشند، چون پشت سر هم دارم قصر می سازم. موضوع از جانب ما بسیار طبیعی است؛ خانواده های ما دیوانه وار عاشق هنر هستند و ذوق خودشان را با نوشتن بسیاری شعر ناکارآمد و

نقاشی کردن تابلوهای حقیرانه نشان می‌دهند. این‌گونه می‌خواهند جایگاهی برای خودشان دست‌وپاکنند و از آنجا که به جایی نمی‌رسیدند بارها سبک و سیاق تازه ای در پیش گرفتند، چرا که می‌خواستند در هنر شهره آفاق شوند... رؤیای من اما این است تبدیل به یک تراژدی بشوم... و این هرگز ساده نیست.» این کتاب را انتشارات ناهید در ۲۱۴ صفحه به چاپ رسانده است.

از نگاه دیگران

مگر قرار نبود کتاب انسان را با جهان بهتری آشنا کند؟

در باب بلاگری کتاب کودک و نوجوان

در نگاه اول، بلاگری کتاب کودک و نوجوان، راهی برای ترویج فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی به نظر می‌رسد؛ اما این در حالی است که انتشار تصویر افراد زیر سن قانونی و در نظر نگرفتن انتخاب و اختیار کودک، خلاف کنوانسیون حقوق کودک محسوب می‌شود. محمدمهدی سیدناصری، پژوهشگر و مدرس حقوق بین‌الملل کودکان، در یادداشتی که به تازگی در خبرگزاری ایبنا منتشر شده، همین موضوع را مدنظر قرار داده است. او این یادداشت را براساس کتاب خود با موضوع حمایت از حقوق کودکان در اسناد سازمان ملل متحد نوشته که در بخشی از آن می‌خوانیم؛

«ما از کودکان اینفلوئنسر و بلاگری می‌گوییم که طی سال‌های اخیر در صفحات اینستاگرام و لوبه تصادف‌ان‌ها را به وفور دیده‌ایم و حتی با احساس خوشایند و لبخندی بر صورت پست‌های صفحات آن‌ها را لایک کرده‌ایم. اغراق نکرده‌ایم اگر بگوییم این روزها تعداد بلاگرها از دنبال‌کنندگان شبکه‌های مجازی پیشی گرفته و صاحبان این صفحات برای شهرت هرچه بیشتر به هراتفاقی متوسل می‌شوند. از چالش‌هایی همچون به هم رسیدن و از هم جدا شدن را انتشار تصاویر مراسم تعیین جنسیت و اولین واژه‌ای که نوزادشان بر زبان آورده‌است، اما در میان آن‌ها هستند بلاگرهایی که از شیرین‌زبانی‌ها و چهره کودکان معصوم خود کاسبی می‌کنند. اتفاقی که در ادامه می‌تواند آثار مخربی بر جسم و روان کودکان داشته باشد. ماجرا از این فراراست، والدینی که مدعی عشق بی‌حدوحصر به فرزندانشان هستند، در ترفندی تازه از آن‌ها برای تبلیغ آثار ناشران کودک و نوجوان سوء استفاده می‌کنند. روزی به بهانه معرفی کتابی تازه، چهره کودکان را با مواد آرایشی و شیمیایی بزک می‌کنند و روزی دیگر آن‌ها را به بهانه دورهمی کتاب‌آزاین سرشهر به آن سرشهر می‌برند. این شیوه بر آن است تا کودکان برای جمعیت شرکت‌کننده از آخرین کتاب‌هایی که خوانده‌اند بگویند و به نوعی برای حضار شیرین‌زبانی کنند. البته در نگاه اول، «بلاگری کتاب کودک و نوجوان» راهی برای ترویج فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی به نظر می‌رسد؛ اما این درحالی است که انتشار تصویر افراد زیر سن قانونی و در نظر نگرفتن انتخاب و اختیار کودک، خلاف کنوانسیون حقوق کودک محسوب می‌شود. لازم به یادآوری است که منظور از کودک در این نوشتار به استناد بیشتر اسناد حقوق بشری، شخصی است که به سن هجده سالگی نرسیده است، [...] [کافی است نگاهی به فهرست ۱۰۰ بلاگر کتاب کودک و نوجوان در جهان بیندازیم و آن وقت متوجه می‌شویم که هیچ‌یک از این صفحات و سایت‌های مطرح، نه تنها از خوانندگان کم‌سن و سال استفاده نکرده‌اند، بلکه گردانندگانشان، اغلب مشاوران و مربیانی هستند که در حوزۀ کودک، اشتغال یا پژوهش یا حتی خودشان نویسنده هستند. ما باید به نحوی از کتاب استفاده کنیم که تأثیرگذاری خودش را از دست ندهد. ناشران، نویسندگان، مترجمان، کتاب‌فروشان و صفحه‌های فروش کتاب باید به این مسئله توجه بیشتری کنند و اگر بخواهند بیش از حد کودکان را استثمار کنند، درست نیست؛ زیرا اگر کودک از فضای مجازی آسیب ببیند ممکن است به آینده جامعه آسیب بزند. اگر کودک کتاب خوان شود دانش عمومی جامعه بالا می‌رود و افراد می‌توانند تصمیم‌های بهتری برای آینده بگیرند. بلاگری کتاب توسط کودکان مصداق بارز استفاده نادرست از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ابزارهای تبدیل تهدیدات فضای مجازی به فرصت است و این ابزار کاربردی کتاب است.»

زین‌تقدیر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

ناوبراسته

همان‌طور که گفته شد در صحبت با دانشجو یان مشخص شد عدم ارائه در ست و کافی مطالب یکی از دلایل این موضوع بود.

ویراسته

همان طور که گفته شد در صحبت با دانشجو یان مشخص شد، ارائه نادر ست و نا کافی مطالب یکی از دلایل این موضوع بود.

نکته

- همین و همان با واژه پس از خود به صورت نیم جدا نوشته می‌شود.**
- واژه ناچسب، عدم، راه‌نדרت به کار بریم. ۳. به جای «عدم» از پیشوند های منفی ساز فارسی استفاده کنیم.**

#زین-تقدیر فارسی

غفلت از آن گنج همبستگی

درنگی بر غربت این روزهای زبان فارسی در افغانستان

سید محمد رضا هاشمی

درنگ

چند سال قبل وقتی هنوز جمهوریت در افغانستان روی کار بود، عبدا... عبدا... رئیس اجرائیه حکومت اشرف غنی، به ایران آمد و در برنامه ویژه خبری شبکه ۲ حاضر شد. او بدون آنکه نیازی به مترجم داشته باشد رو در روی مجری نشست و به سوالات مجری پاسخ داد. این اتفاق تازگی ندارد و اساسا مقامات ایران و افغانستان و تاجیکستان می‌توانند بدون نیاز به مترجم برای مردم هر سه کشور سخن بگویند. در واقع، به علت قدرت زبان فارسی است که همه ما توانایی درک آن را بدون واسطه داریم، اما در هفته‌های گذشته اتفاق دیگری افتاد. ملا برادر، معاون نخست‌وزیر طالبان، در رأس یک هیئت عالی رتبه به ایران آمد، اما دیدارهای او با مقامات جمهوری اسلامی ایران یک تفاوت غریب با دیدارهای مقامات افغانستان در دوره جمهوریت با مقامات ایرانی داشت و آن حضور مترجم در این دیدارها بود. در افغانستان امروز کمتر کسی را می‌توان یافت که فارسی را نفهمد یا نتواند به زبان فارسی سخن بگوید. حتی اگر از اقوام غیرفارسی‌زبان مانند قوم ازبک یا پشتون باشد. اما در میان جمعیت فارسی‌زبان این کشور که اکثریت هستند (هزاره‌ها، تاجیک‌ها و...) به ندرت کسی پیدا می‌شود که زبان پشتو و ازبکی را بفهمد و بتواند با آن زبان‌ها سخن بگوید. محمدکاظم کاظمی، شاعر و پژوهشگر نام‌آشنای زبان فارسی، پس از سفر ملا برادر به ایران در گفت‌وگو با خانه‌کتاب ایران گفته بود، «این رفتارها [حضور مترجم در دیدارهای ملا برادر با مقامات ایرانی] هوشمندانه است، برای اینکه نشان بدهند این کشور اصلا زبانش چیز دیگری است، مترجم آورده‌اند، وگرنه در افغانستان اغلب قوم‌های پشتون فارسی‌دان هستند. حتی سران طالبان هم می‌توانند به فارسی صحبت کنند. اما وقتی که در یک دیدار رسمی همراه با مترجم حضور پیدا می‌کنند، می‌خواهند این طور وانمود کنند که زبان رسمی در افغانستان، پشتو، است. در صورتی که اگر روزنامه اطلاعات صد سال پیش را نگاه کنید، مصاحبه‌هایی از رجال افغانستان در روزنامه اطلاعات چاپ شده است که با زبان فارسی صحبت کرده‌اند. آن هم صد سال پیش! بعد از آن هم همین طور است. تا همین چند سال پیش وقتی رجال افغانستان به ایران می‌آمدند، به زبان فارسی صحبت می‌کردند، حتی حامد کرزی و اشرف غنی. اما حالا اوضاع طوری است که تیم سیاسی طالبان، همراه با مترجم به ایران می‌آید. با این وضعیت آینده‌ای که خواندنی است، ممکن است برای افغانستان و ایران، ترجمه‌کردنی باشد!

زبان فارسی و یک نگرانی بزرگ در افغانستان

امروز

در بیشتر از دو سالی که از بازگشت دوباره طالبان به قدرت در افغانستان می‌گذرد، طالبان بارها فارسی‌ستیزی خود را نشان داده‌اند. آن‌ها تابلوهایی سردر وزارت‌خانه‌ها و دانشگاه‌ها را از فارسی به پشتو بدل کرده، تعطیل رسمی روزاول نوروز را لغو کرده‌اند و در اقدام‌های گوناگون دیگر نشان داده‌اند که تاب تحمل زبان فارسی را در افغانستان ندارند، زبانی‌که برای بخش زیادی از مردم افغانستان آشناست.

غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایران، مدتی پس از بازگشت دوباره طالبان به قدرت، با ابراز نگرانی از وضعیت زبان فارسی در افغانستان، به پیشینه این زبان در آن سرزمین اشاره کرده است و جایگاه آثار ادبی فاخری چون «شاهنامه فردوسی»، «تاریخ بیهقی»، در آنجا را یادآور شده بود. او گفته بود، «من به شدت نگران زبان فارسی در افغانستان امروز هستم و یقین دارم که هنرمندان و اهالی هنر در این کشور اجازه نخواهند داد که زبان فارسی در افغانستان، به سرنوشت زبان فارسی در هندوستان دچار شود.» ایران فرهنگی ریشه در دل تاریخ دارد و زبان فارسی مهم‌ترین دلیل برای بقای این جغرافیاست. در این بین، فارسی‌زبانان افغانستان از نهادهای

ایرانی همچون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توقع دارند که درباره موضوع‌هایی مثل مخالفت طالبان با زبان فارسی موضع‌گیری کنند تا آن‌ها بتوانند با استناد به این حمایت از زبان مادری خود پاسداری کنند.

هر خانواده تاجیک یک جلد شاهنامه فردوسی

در حالی‌که این روزها فارسی‌زبانان افغانستان در انزوا قرار گرفته‌اند و طالبان از هر ابزاری برای کم‌رنگ کردن زبان فارسی در این جامعه استفاده می‌کنند، در روزهای گذشته خبری منتشر شد مبنی بر اینکه امام‌علی رحمان، رئیس‌جمهور تاجیکستان، دستور داده که به تعداد خانوارهای این کشور «شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی» منتشر شود و به طور رایگان در دسترس آن‌ها قرار گیرد. او گفته است که هدف دولت از این اقدام، حفظ تاریخ و میراث علمی، ادبی، فرهنگی و تمدنی تاجیکان است.

بخش زیادی از فارسی‌زبانان افغانستان سواد خواندن و نوشتن را از شاهنامه فردوسی یاد گرفته‌اند. شاهنامه خوانی یکی از سنت‌های دیرینه در میان آن‌ها بوده است و افغانستانی‌ها از گذشته، شب‌یلدا را با خواندن داستان‌های فردوسی در شاهنامه به صبح رسانده‌اند. اما حالا زبان فارسی در این کشور محروم‌تر از همیشه است و اگر وضعیت

به همین منوال پیش برود، معلوم نیست چه بر سر این میراث گران‌بهای پیشینیان ما خواهد آمد. در بیشتر از دو سال گذشته، شخصیت‌های برجسته زبان فارسی در ایران و افغانستان بارها در رابطه با آینده تاریک این زبان در افغانستان تحت حاکمیت طالبان هشدار داده‌اند، اما تاکنون هیچ

اتفاق مثبتی در این باره نیفتاده است.

این در حالی است که در گستره کشورهای فارسی‌زبان، علاوه بر زبان فارسی، آداب و رسوم و آیین‌های مشترکی هم وجود دارد که ضامن اتحاد و مانایی آن هاست و مهم‌ترینش نوروز است و زیباترینش یلدا. در افغانستان مثل ایران در شب‌های زمستان رسم شاهنامه خوانی وجود دارد. افرادی‌که اهل شعر هستند دور هم جمع می‌شوند و مراسم شعرخوانی برپا می‌کنند. در این کشور رسم است کسانی‌که سواد دارند در جمع‌ها شاهنامه یا «حملة حیدری» می‌خوانند.

حملة حیدری یک اثر ادبی منظوم درباره زندگی پیامبر^(ص) و جنگ‌های حضرت علی^(ع) است که از لحاظ وزن و موسیقی به شاهنامه شباهت دارد. این دو کتاب مانند گلستان و بوستان سعدی کتاب‌هایی هستند که در کنار قرآن کریم در خانه فارسی‌زبانان افغانستان پیدا می‌شود. مردم افغانستان شاهنامه را با لحنی خاص می‌خوانند.



اسامی‌که در شاهنامه وجود دارد، مثل رستم و سهراب و رودابه و سیاوش بین مردم افغانستان رایج است. خیلی از اسامی مکان‌ها یا شهرها در افغانستان امروزی مثل بلخ، کابلستان، بامیان، نیمروز، سیستان، زابل در شاهنامه آمده است.

مشهد، حامی زبان فارسی در افغانستان

نزدیکی مشهد به هرات و حضور جمعیت زیادی از مهاجران افغانستانی در این شهر در طول چهار دهه گذشته و فعالیت‌های فرهنگی شخصیت‌های ادبی این مهاجران افغانستانی در مشهد و قرار گرفتن آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی در این شهر می‌تواند دلیلی باشد که مشهد را در قامت حامی بزرگ زبان فارسی و فارسی‌زبانان افغانستان معرفی کند.

شهری که در سال‌های سخت مهاجرت افغانستانی‌ها با آغوش باز پذیرای آن‌ها بوده است و مردم مهرپانش سفره خود را با برادران و خواهران هم‌زبان خود تقسیم کرده‌اند. وقتی به ریشه تاریخی مشهد و هرات نگاه کنیم متوجه می‌شویم که این دو شهر در طول سالیان دراز در روزهای سخت کنار هم ایستاده و ثابت‌کرده‌اند که مرز نمی‌تواند ریشه‌های تاریخی و زبان مشترک را تحت الشعاع قرار دهد.

مدیر دفتر شعر و قصه افغانستان در حوزه هنری انقلاب اسلامی:

اوج همدلی ایران و افغانستان در شعر نمود پیدا کرده است

از همکاری شاعران دو کشور مشاهده شده است و شاعرانی که در افغانستان هستند، سعی می‌کنند از هم‌زبانان خود در ایران عقب نمانند. آن‌ها تلاش می‌کنند که خودشان را به درجه‌ای برسانند که توجه شاعران فارسی‌زبان در کشورهای دیگر را نیز جلب کنند.

این شاعران افغانستان معتقد است با حضور مهاجران افغانستانی در ایران یک صفحه دیگر در ادبیات افغانستان به ویژه شعر باز شد. به خاطر تعامل و همکاری و رفت‌وآمد بین شاعران ایرانی و افغانستانی، نسل جدیدی از شاعران افغانستانی ظهور کردند. این نسل جدید هم‌زبانان خود در ایران را تحت تأثیر قرار دادند و توجه آن‌ها را جلب کردند و همچنین باعث رشد شعر فارسی شدند. چنین اتفاقات خوبی باز هم می‌تواند رخ دهد.

این همکاری و هم‌زبانی می‌تواند همچنان وجود داشته باشد و ادامه یابد. در حقیقت ما در هیچ حوزه‌ای مثل شعر ندیدیم که بین ایرانی‌ها و افغانستانی‌ها همدلی و همکاری باشد. اهالی ادبیات ایران و افغانستان تعامل و دادوستدهای خوبی با هم برقرار کرده‌اند و از هم‌وam می‌گیرند که این دادوستد آینده درخشانی برای زبان و ادبیات فارسی خواهد داشت.



هم پیشی بگیرند. برخی از موضوع‌ها در شعر افغانستان، جدید است و سبب می‌شود شاعران ایرانی‌گرایش پیدا کنند که از آن‌ها استفاده کنند. بعضی از فرم‌ها هم بین شاعران ایرانی رایج‌تر است و شاعران افغانستانی می‌توانند از آن‌ها بهره بگیرند.

خوشبختانه در دهه‌های اخیر نتایج خوبی

سیدفضل ا... قدسی، سیدابوذر مظفری و سعید شریفی به شهرت بسیاری دست یافتند. او درباره اثرات این هم‌زیستی نیز می‌گوید: تعامل بین شاعران دو کشور ایران و افغانستان نکات مثبت و مؤثر زیادی دارد. یکی از اثرات این تعامل، رقابت دل‌انگیزی است که بین شاعران دو کشور وجود دارد و باعث می‌شود در سرودن و نوآوری از